

روایتی خوانا
از
تصنیف‌های عاشقانه‌ی امیرجاهد

ارشد تهماسبی





مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰

www.mahoor.com

info@mahoor.com

روایتی خوانا

از

تصنیف‌های عاشقانه‌ی امیرجاهد

ارشد تهماسبی

تصویرسازی جلد	ملیحه محسنی
صفحه‌آرایی	پویا دارابی
چاپ اول	۱۴۰۱
تعداد	۱۰۰۰
لینتوگرافی	باران
چاپ و صحافی	محمد

© حق چاپ محفوظ است.

شابم: ۹۳-۹-۸۰۲۶۲۸-۸۰-۹۷۹ ISMN: 979-0-802628-93-9

فهرست

۷ مقدمه
۱۳ جدول آوانگار
۱۵ تصنیف «جان من» (شور)
۱۹ تصنیف «در گلستان» (شور)
۲۳ تصنیف «شهد وصال» (شور)
۲۷ تصنیف «نرگس مست؛ دل من از هجر» (شور)
۳۰ تصنیف «امان ز هجر» (ابوعطا)
۳۴ تصنیف «منه به دل عقده کین» (ابوعطا)
۳۸ تصنیف «بلبل شوریده» (بیات ترک)
۴۲ تصنیف «بهار است و هنگام گشت» (بیات ترک)
۴۶ تصنیف «جمال زن یا مظهر صنع خدا» (بیات ترک)
۵۰ تصنیف «شعله و پروانه» (بیات ترک)
۵۴ تصنیف «طره گیسویت» (بیات ترک)
۵۷ تصنیف «عاشق برگیرد» (بیات ترک)
۶۰ تصنیف «یاد وصل تو» (بیات ترک)
۶۴ تصنیف «در بهار امید» (افشاری)
۶۷ تصنیف «صاحب دل» (افشاری)
۷۱ تصنیف «به تار آن زلف سیه» (دستی)
۷۴ تصنیف «ابر بهار» (سه گاه)
۷۸ تصنیف «امان از این دل» (سه گاه)
۸۱ تصنیف «بسته شد جانم» (سه گاه)
۸۵ تصنیف «به اهل دل» (سه گاه)
۸۹ تصنیف «پرتو جان» (سه گاه)
۹۲ تصنیف «جان منی» (چهارگاه)

۹۶	تصنیف «دل خونین» (چهارگاه)
۹۹	تصنیف «عشق با عقل و خرد» (چهارگاه)
۱۰۲	تصنیف «هزاردستان» (چهارگاه)
۱۰۵	تصنیف «به گردش فروردین» (ماهور)
۱۰۸	تصنیف «داد از دل» (ماهور)
۱۱۲	تصنیف «ساقیا بده» (ماهور)
۱۱۶	تصنیف «سعادت جاودانی» (همایون)
۱۱۹	تصنیف «پریوش» (بیات اصفهان)
۱۲۳	تصنیف «پیمان عشق» (بیات اصفهان)
۱۲۷	تصنیف «ناله عشاق» (بیات اصفهان)
۱۳۰	تصنیف «امان از این عشوه‌گران» (نوا)
۱۳۳	پی‌نوشت‌ها
۱۴۰	کتاب‌نامه

پس فکنده بر جانِ یکدگر این همه شرر چیست
جاهد عاقبت در چنین خطر رهبرِ بشر کیست

ای بشر چه هستی غیرِ خودپرستی
جز به حبِّ دنیا دل تو بر چه بستی

نغمهٔ آزادی خود سروشِ آسمانی ست
سوزِ عشقِ جانانِ عیش و نوشِ جاودانی ست

و ...

محمدعلی امیرجاهد شاعر و مؤسس سالنامهٔ پارس، در اواخر دورهٔ قاجار و از سنین جوانی وارد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری شد و آن‌طور که خودش نوشته، گویا به خاطر نگارش مطالبی دربارهٔ دخالت روس‌ها در امور داخلی ایران دچار مخمصه‌هایی هم شده و مدتی تحت نظر و در حبس خانگی بوده است. با این بخش از فعالیت‌های او کاری نداریم اما ظاهراً در همین روزهای حبسش در شهر قزوین، بوده که در بیست‌ویک‌سالگی برای نخستین بار و به صورتی اتفاقی، در محفل ذوقی شرکت می‌کند و آتش عشقش به موسیقی شعله‌ور می‌شود:

نمی‌دانم تموج صدای فرح‌انگیز خواننده و زخمه‌های نغمه‌پرور نوازنده چه مرهمی بر دل ریش
و جان پریش من نهاد که یک‌باره از خواب دردناک چند روزه بیدار شدم و به اعجاز عشق و
موسیقی میان آن دو نغمه‌سرای مسحورکننده جای گرفتم (امیرجاهد ۱۳۳۳: ۸).

نکتهٔ عجیب و جالب در سرگذشت هنری او این است که نه خودش و نه هیچ‌کس دیگری، مطلبی دربارهٔ اینکه وی نزد کسی به آموختن موسیقی پرداخته یا دست به نواختن سازی برده باشد، نگفته و ننوشته است. به این ترتیب امیرجاهد موسیقی‌دانی کاملاً خودساخته بود و توانایی‌اش را در آهنگ‌سازی و ترکیب‌کردن نغمات باید نتیجه و محصول ذوق ذاتی او بدانیم. امیرجاهد آخرین فرد از نسل خنیاگرانی بود که به سازندگی و سرایندگی توأمان پرداخته‌اند و جالب اینکه هر سه خنیاگر موسیقی دستگاهی ایران، یعنی او و شیدا و عارف، تقریباً در یک زمان به تصنیف‌سازی روی آوردند. خوشبختانه وی، با اینکه هیچ‌آشنایی با نت‌نگاری نداشت، تمامی آثارش را در زمان حیات به کمک ابوالحسن صبا ثبت و منتشر کرد. در تاریخ موسیقی ما امیرجاهد نخستین و تنها کسی است که به این مهم اقدام کرده؛ کاری که ظاهراً می‌بایست هنرمندانی چون وزیری و صبا و خالقی و خیلی‌های دیگر می‌کردند و نکردند.

تصنیف‌های امیرجاهد از حدود سال‌های ۱۳۰۶ به بعد و تا همین زمان، بارها و بارها اجرا شده‌اند و می‌شوند. قمرالملوک وزیری نخستین کسی بود که بعضی ساخته‌های او را روی صفحات کمپانی «پولیفون» خواند. در آن زمان‌ها کارهای مشترک او و امیرجاهد با استقبال بسیار گسترده‌ای مواجه شدند و در صدر تصنیف‌های مشهور زمانه جای گرفتند؛ از آن میان می‌توان به تصنیف‌های «هزاردستان» و «امان از این دل که داد» اشاره کرد. این آثار در دهه‌های بعد نیز به وسیلهٔ گروه‌های ملی به سرپرستی فرامرز پایور و همچنین گروه‌های دیگر موسیقی به اجرا درآمدند. هر دو این تصنیف‌ها و نیز یک اثر مشهور دیگر او با عنوان «به گردش فروردین» او، معرف ذوق سلیم و خلاقیت این آهنگ‌ساز توانا در ترکیب‌کردن اشعار روان و استوار و ملودی‌های بکر و بدیع است؛ چنان‌که بدون اغراق می‌توان گفت همین‌ها را باید بهترین نمونهٔ تصانیف ساخته‌شده در دستگاه‌های چهارگاه و سه‌گاه و ماهور دانست.

ویژگی بارز در اشعارِ تصانیفِ امیرجاهد در قیاس با پیشینیان خودش، یعنی علی‌اکبر شیدا و عارف قزوینی و تصنیف‌سازان ناشناسِ قدیمی، سلامتِ کلام و بری‌بودن از واژگانِ حشوی چون واوِ زاید، امان، عزیز، خدا، حبیب و ... است.^۱ در قسمتی از کتابِ چگونگی موسیقی ایران مطالبی دربارهٔ تصنیف‌های او نوشته‌ام که بخش‌هایی از آن را همین‌جا نقل می‌کنم:

در بین همهٔ معاصران امیرجاهد، او اولین هنرمندی است که توانست تصنیف خوش‌عیار و ماندگاری در دستگاه چهارگاه بسازد. دیدیم در فهرست آثار شیدا و عارف و درویش‌خان هیچ تصنیف چهارگاهی وجود نداشت و تنها سالارمعزز در این عرصه طبع‌آزمایی کرده بود که البته تصنیف او را هیچ‌گاه نباید با «هزارستان» امیرجاهد مقایسه کرد. کلام این تصنیف دارای ۱۷۰ واژه است و مصنف تنها در یک‌جای آن از «واو زائد» استفاده کرده (مده دست^۲ یا دست بی‌نمک)^[۲] که نشان از توجه او به لزوم هماهنگ‌بودن شعر و آهنگ دارد. کافی است همین تصنیف را با یکی از سالم‌ترین شعرهای محمدتقی بهار، که در این زمینه پیشرو بود، مقایسه کنیم. ملک‌الشعرا در تصنیف «بهارِ دلکش» درویش‌خان از ۹۰ واژه استفاده کرده که در سه‌جای آن به اصطلاح قافیه را باخته و «صبحدم» را به جای صبحدم، «آشتی» را به جای آشتی و «عهدِ بستی» را به جای عهد بستی آورده است. در این مقایسه‌ای که صورت دادیم، شعر هزارستان امیرجاهد را بدون هیچ عمد و گزینش توجیه‌گرانه‌ای انتخاب کردیم چنان‌که همین سلامتِ کلام را می‌توانیم در شعر فلسفی و روان «به گردشِ فروردین» او هم، که به یاد درویش‌خان ساخته شده، مشاهده کنیم. سراینده، در این تصنیف هم ۱۶۵ واژه به‌کار برده و تنها یک‌جا ناچار شده از واو زائد استفاده کند:

گرفته باد بهار بی‌هراس حجاب^۳ از روی گل

که البته می‌توانست این‌یکی را هم بدون واو زائد بسراید:

گرفته باد بهار بی‌هراس حجابی از روی گل

نیز در ۱۴۹ واژهٔ تصنیف «امان از این دل»، که به یاد ایرج میرزا ساخته شده، فقط یک واو زائد دیده می‌شود: «به کویِ معشوقِ خویش^۴ جان داد». نکتهٔ برجستهٔ دیگری که در کلام امیرجاهد هست و باید به آن اشاره کرد، نگاه عروضی تداعی‌محور او به شعر تصنیف است، به این عبارت که هر جا به ضرورت تبعیت از گردش آهنگ، تغییری در وزن شعر ایجاد کرده، یکی از اوزان قبلی را در ادامهٔ تصنیف تکرار و تداعی کرده است:

به گردش فروردین / بیا به گلزار و ببین / مفاعلاتن فَعْلَن (وزن ۱)

چه می‌گند بوی گل / صفای دلجوی گل / مفاعلاتن فَعْل (وزن ۲)

گرفته باد بهار بی‌هراس / مفاعلاتن فعلاتن فَعْل (وزن ۳)

حجاب از روی گل / مفاعلاتن فَعْل (بازگشت به وزن ۲)

مخور غم پیش و کمی / که این جهانست دمی / مفاعلاتن فَعْلَن (بازگشت به وزن ۱)

حیاتِ بلبل بُود (بازگشت به وزن ۲) دفترِ خلقت / مفاعلاتن فعلاتن فعلاتن (وزن ۴)

و ...

تصنیف‌های امیرجاهد را باید در قالب کارِ عمل دانست زیرا بیشتر آنها در مقام‌های متعددی گردش دارند و با پرده‌شکنی همراه‌اند. باین‌حال در هیچ‌یک از این تصنیف‌ها نشانی از تظاهر و پُرگویی فن‌آورانه دیده نمی‌شود و هر تغییر مقامی، کاملاً بجای و به‌ضرورت، و با ظرافت و لطافت تمام انجام شده است. مثلاً او در همین تصنیف «به گردشِ فروردین»، ظرف مدت دو

باین حال و در یک برآورد کلی باید اذعان داشت که امیرجاهد در سرودن شعر این تصنیف‌ها بسیار موفق‌تر از پیشینیان خود عمل کرده است؛ بنابراین و با توجه به کیفیت سه عامل ملودی، کلام و تلفیق بجا در مجموعه آثار این آهنگ‌ساز باید او را به حق، پدر تصنیف‌سازی در موسیقی نوین ایران دانست.

اما سخنی درباره انگیزه فراهم آوردن این دفتر:

در فروردین سال ۱۴۰۱ یکی از هنرجویانم، خانم سونیا صدر، درخواست کرد که تصنیف‌های امیرجاهد را به او یاد بدهم. طبیعتاً چون می‌دانستم که وی با آهنگ‌های مشهور امیرجاهد آشناست سراغ دیوانش رفتم تا بعضی آهنگ‌های اجرانشده او را کار کنم و به او یاد بدهم.

همان‌طور که گفتم، امیرجاهد تمامی تصنیف‌ها و سرودهایش را با مساعدت و نت‌نگاری ابوالحسن صبا در کتابی با عنوان *دیوان امیرجاهد* به سال ۱۳۳۳ منتشر کرد. دیوان او علاوه بر قسمتی که مربوط به نت و شعر آهنگ‌هاست، حاوی خاطرات نویسنده و مطالب دیگری درباره موسیقی و موسیقی‌دان‌هاست. این کتاب با اعمال تغییرات اندکی در مطالبش، سال ۱۳۴۹ و تحت عنوان *دیوان امیرجاهد جلد ۲* بازنشر شد. امروزه هر دو جلد این کتاب‌ها به خاطر سرودها و مطالبی که نویسنده در حمایت و تأیید سلسله پهلوی ساخته و نوشته، نایاب هستند و طبیعتاً امکان تجدید چاپ ندارند.

در دیوان او، صفحه‌های مربوط به نت و شعر مقابل هم قرار گرفته‌اند اما برخلاف شیوه امروزی نت‌نگاری آهنگ‌های باکلام، شعرها «زیرنویس» نت‌ها نشده‌اند و بنابراین خود مراجعه‌کننده باید از پس انطباق عبارات شعر با جملات آهنگ برآید. بدیهی است که در اینگونه موارد، اگر یک اشتباه حتی بسیار کوچک و ناچیز در ثبت شعر یا موسیقی رخ داده باشد شیرازه کار کاملاً از هم خواهد گسست و تلفیق درست آهنگ و شعر مقدور نخواهد شد. طبیعتاً در چنین مواقعی تنها کسانی خواهند توانست به نتیجه مطلوب برسند که اشراف کاملی بر چگونگی فراز و فرودهای موسیقی و وزن و آهنگ شعر داشته باشند تا بتوانند حدس بزنند مثلاً کدام شعر می‌بایست تکرار شود؛ یا کدام علامت برگشت در صفحه نت ثبت نشده؛ یا کدام یک از خطوط اتصال در نت‌ها نابجا و غلط هستند و ...

متأسفانه در این کتاب، علی‌رغم مشهود بودن اهتمام نویسنده و نت‌نگار و نت‌نویس بر دقت و وسواس، اشتباهات زیادی در نت‌ها و شعرها هست که عمده آنها بی‌توجهی به نشان‌دادن ابیاتی است که باید در آهنگ تکرار شوند. به همین خاطر در صدد برآمدم کمی کلی‌تر و فراتر از کلاس درس با این موضوع برخورد کنم و تصنیف‌های امیرجاهد را به شکلی بنویسم که به آسانی و به صورتی «خوانا» مورد استفاده اهل موسیقی قرار گیرند. از همین رو چند ترفند نگارشی را آمیخته کردم تا نهایت سهولت در خوانش و درک این تصنیف‌ها ایجاد شود.

- ۱ — شعرها را به صورت زیرنویس لاتین زیر نت‌های مربوط به خودشان ثبت کرده‌ام؛
- ۲ — علاوه‌براین هر پاره شعر را زیر هر سطر نت مربوط به آن، به خط فارسی، نوشته‌ام،
- ۳ — علاوه‌براین خطوط اتصال نت‌ها را طوری به کار برده‌ام که هر مجموعه اتصال‌گرفته منطبق بر یک هجای کلام شود، یعنی همواره و در همه آهنگ‌ها یک نت منفرد (نتی که به نت‌های قبل یا بعد خود وصل نشده باشد) متعلق به یک هجای شعر، و نت‌های متصل به هم — به هر تعداد که باشند — متعلق به یک هجا خواهند بود.
- ۴ — علاوه‌براین آهنگ مربوط به هر بیت یا مصرع یا پاره شعر را در «یک سطر» آورده‌ام تا هر عبارت موسیقایی منفک و مستقل از جملات قبل و بعد از خودش باشد.

در بازنویسی نتهای منبع اصلی، مایه آهنگ‌ها را تغییر داده و آنها را از مبناهایی نوشته‌ام که امروزه کاربرد بیشتری دارند؛ اما هیچ دخل و تصرفی در زمان‌بندی‌ها و اصل نگارش استاد صبا نکرده‌ام و بالاینکه می‌شد کشش نتهای و استفاده از سکوت‌ها را طوری سامان دهم که از شلوغی صفحه نتهای کاسته شود، از این موضوع گذشته‌ام؛ باین‌حال و طبیعتاً ناگزیر بوده‌ام غلط‌های واضح و مسلم را، چه در نتهای و شعرها، تصحیح کنم؛ مثل مواردی که فرضاً یک کشش «سیاه» بر اثر تسامح نتهای نگار یا نتهای نویس، به‌صورت «چنگ» آمده، یا واژگانی که در شعرها با املائی نادرستی ثبت شده‌اند. نیز برای نوشتن اشعار، رسم‌الخط متعارف امروزی را به کار گرفته‌ام؛ مثلاً «بجهان» را «به جهان»، «چکند» را «چه کند»، «دایم» را «دائم»، «بیخبران» را «بی‌خبران» و «حیوة» را «حیات» نوشته‌ام. این مجموعه فقط شامل ۳۳ تصنیف تغزلی و «عاشقانه» این آهنگ‌ساز است و از بازنویسی آن سرودها و تصنیف‌هایی که مضامینی حماسی، تبلیغی و نصیحت‌آمیز دارند صرف‌نظر کرده‌ام.

ارشد تهماسبی تیرماه ۱۴۰۱

جان من (شور)

♩. = 80

jā ne man gof ta mat jā ne ma no jā ne to
kâ fa ram gar šavam kâ fa re i mâ ne to

جان من گفتمت جان من و جان تو
کافر گر شوم کافر ایمان تو

kâš ke del beš ka nad gar še ka nad 'ah de dust

کاش که دل بشکند گر شکند عهد دوست

bâš ke tâ sar da ham dar sa re pey mâ ne to

باش که تا سر دهم در سر پیمان تو

jā ne ma nân lo' ba te sâ de ist del kaš
kâ be la baš bar la bam bâ de ist bi qaš

جان من آن لعبت ساده‌ای ست دلکش
کاب لیش بر لبم باده‌ای ست بی‌غش

sar ve qa daš lâ le ye mah fel mâ he ro xaš row ša ni ye del

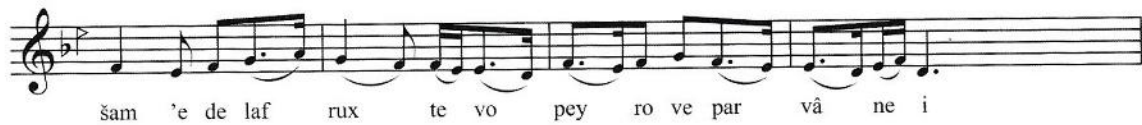
سرو قدش لاله محفل - ما رخس روشنی دل

šâ he de šab hâ ye ma ni ey ma he 'â lam fo ruz
kaz qa me hej rân çe pa ri šân ša bi yâ ram be ruz

شاهد شب‌های منی ای مه عالم‌فروز
کز غم هجران چه پریشان شبی آرم به روز

pāk de li kar de ma rā 'â še qe far zâ ne i

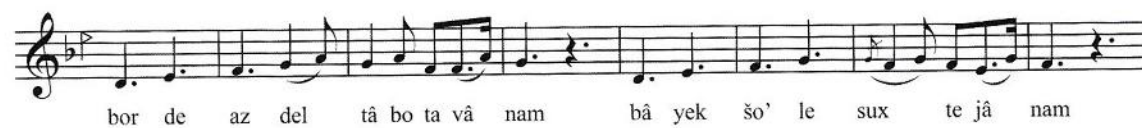
پاک‌دلی کرده مرا عاشق فرزانه‌ای



شمع دل افروخته و پیرو پروانه‌ای



مهر فروزان آن مجمر سوزان



برده از دل تاب و توانم - با یک شعله سوخته جانم



دل در هجر روی دلدار - لاله گون چون رنگ رخسار



قطره قطره آخر این دل خونین از دیده سر کرد



آنقدر آمد تا دامنم از خون دیده تر کرد



دل رفت و دگر در برم نیست - رحمی به دل دلبرم نیست



دل به دست آوردن زیر پا بنهادن - این کشتن ماست کی از تو رواست

روایتی خوانا از تصنیف‌های عاشقانه امیرجاهد ۱۸



del ze mar dom bor dan bor da no â zor dan key šar te va fâst in 'ey ne ja fâst

دل ز مردم بردن بردن و آزدن - کی شرطِ وفاست این عینِ جفاست



gar bi dâ daz gol ro xân nist pas far yâ de 'â še qân čist

گر بیداد از گل‌رخان نیست - پس فریادِ عاشقان چیست



vas fe ja mâ le xub ru yân ben mu de 'eš qe mâ da râ fâq

وصفِ جمالِ خوب‌رویان - بنموده عشقِ ما در آفاق



nab vad ta ri qe 'ad la gar dast ran gin ko ni be xu ne 'oš šâq

نبود طریقِ عدل اگر دست - رنگین کنی به خونِ عشاق



tâ da râ šeq 'ešq ma jâ zist tâ dar ma' šuq soh ba to bâ zist

تا در عاشقِ عشق مجازی است - تا در معشوقِ صحبت و بازی است



har gez naš ni de jâ hed az 'â še qân be qey re far yâd

هرگز نشنیده جاهد از عاشقان به غیر فریاد



az del ba rân be qey re bi dâd

از دلبران به غیر بیداد

محمدعلی امیرجاهد تصنیف‌سازی خلاق و مبتکر، و هم بانی سبک جدیدی در ترانه‌سرایي بود. کلام تصنیف‌های او، برخلاف اشعار تصنیف‌سازانی چون علی‌اکبر شیدا و عارف قزوینی، خالی از واژگان و عبارات حشو و زاید است؛ نیز جمله‌پردازی‌های آهنگین بدیعش، به‌خوبی نشان از اشراف کامل و عمیق این آهنگ‌ساز به ظرایف و دقایق موسیقی دستگاهی دارند. از همین‌روست که خیلی از آثار وی هنوز هم، پس از گذشت حدود صد سال، صدرنشین تصانیف موسیقی دستگاهی هستند. در این کتاب آثار امیرجاهد را، از روی دیوان خودش، ویرایش و تصحیح کرده و به طرزی نگاشته‌ام که خوانش و اجرای آنها برای اهل موسیقی بسیار آسان باشد.



مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور
Mahoor Institute of Culture and Arts
www.mahoor.com info@mahoor.com



9 790802 628939

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان